

گزارشی از برگزاری چهارمین جشنواره نمایش های کوتاه و دومین جشنواره خلاقیت های نمایشی در دانشگاه تهران

کم‌گوی و گزیده‌گوی چوون در...

عباس خلقی - فیمه سیاحیان

در حدود بیست دقیقه را به خود اختصاص می‌دهد. چنین نمایشنامه‌ای در نوع خود، یک درام کامل است. اما البته در چنین کاری، نویسنده فرصت چندانی برای معرفی شخصیت‌ها و موقعیت‌ها در اختیار ندارد. گویی همه چیز، فشرده شده است و مخاطب با عصاره موقعیت در مدت زمانی کوتاه مواجه است.

محدودیت وقت موجب شکوفایی خلاقیت‌های اجرایی می‌گردد. بازیگر و کارگردان، ناگزیرند که به گسترده‌گی، از همه نشانه‌های تئاتری بهره‌گیری کنند.

هیچ نوع تلف کردن روی صحنه جایز نیست و بیش از هر کسی دیگر، کارگردان باید حساس باشد و جلوی افت صحنه را در هر لحظه بگیرد.

مهم‌ترین معضل این جشنواره (کوتاه) مثل تمام جشنواره‌های مشابه، فقدان نمایشنامه خوب است. اغلب نمایشنامه‌ها، موقعیت، دراماتیک درخشانی ندارند. از نظر بازی و کارگردانی و صحنه‌پردازی، استعدادهای شگفتیگری وجود دارد. اما خوب، این استعدادهای درون چارچوب یک درام برجسته می‌تواند درخشش بیابند. برای رفع این کاستی، تاکنون تلاش‌هایی به عمل آمده است. اما کافی نیست. سیستمی ایران در دهه اخیر تا حدودی بر مشکل فقدان فیلمنامه خوب فائق آمده است. اما در تئاتر به نظر می‌آید که راه طولانی‌تری در پیش است. در کنار این مسائل، مهم‌ترین نقطه قوت این جشنواره را باید استقبال بسیار پرشور تماشاگران دانست.

برای بهتر شدن کارها بهترین روش آن است که از سال آینده در کنار هر گروه حداقل دو استاد تئاتر، به عنوان راهنما و مشاور در زمینه متن و اجرا حضور داشته باشند. چنین جشنواره‌های بهترین عرصه برای تجربه‌اندوختن و عملی کردن آموخته‌های نظری کلاس‌های درس است. البته شاید برقراری چنین سیستمی، در ابتدا کمی دشوار و پرهزینه باشد، اما چنانچه نشان‌دهنده در جریان چنین تجربه‌هایی معافند. این گونه جشنواره‌ها فاقد هرگونه جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی‌اند. نیروی محرک دانشجویان در اینجا، شور و عشق صمیمانه نسبت به هنر تئاتر است. استان‌یاد به این شور مقدس، پاسخ مثبت دهند و دانشگاه باید از هر طریق ممکن (تأکید می‌کنم، از هر طریق)، استادان را به همکاری با گروه‌های دانشجویی برانگیزد. تا از این رهگذار، هنرمندان خلاق آینده، به خوبی پرورش یابند.

اما در مورد کارهای راستش را بخواهید من فکر می‌کردم با توجه به شرایط سیاسی چانه‌های ماه اخیر شاهد جشنواره‌های سیاسی و پرازشمار باشیم، اما با نهایت شگفتی می‌بینم که با جدی‌ترین معضلات و بربخ‌های روابط عاطفی جوانان مواجه هستیم. در هیچ یک از کارها(علی‌رغم وجود ناخنک‌های در نمایشنامه و اجرای، سطحی‌نگری وجود ندارد. جوانان به مسائل خاص خود توجه کرده‌اند و به گونه‌ای هنرمندانه، اعلام موجودیت عاطفی کرده‌اند. امیدوارم این جشنواره هر سال به گونه‌ای پربارتر و شایسته‌تر برگزار گردد و زمینه‌ساز رشد ذوق و تفکر دانشجویان کشور باشد.

ویژگی‌های نمایش کوتاه

ناصر کامکار یکی دیگر از اعضای هیأت داوران معقد است:

نمایش کوتاه، بدون شک متعلق به لحظه تئاتر مدرن است و در ارزیابی تئاتر در مفهوم تاریخی و کلاسیک آن ربطی به «اثرپردازی‌های نمایشی» ندارد. همان قدر مدرن است که داستان کوتاه در ادبیات. حتی می‌خواهم بگویم نمایش‌های کوتاهی از این دست گاه قابل مقایسه است با داستان «بی‌بلیست» و ادبیات معاصر. می‌شود گفت اولین ویژگی نمایش کوتاه، زمان کوتاه اجزاست و نه الزاماً زمان نمایشی (اجرا). یک نمایش کوتاه نیز می‌توان به شکل خلاق زمانی طولبی (زمان نمایشی)، را در طول اجرایی کوتاه (زمان واقعی) شاهد بود. نمایش کوتاه عصاره‌ای است از تئاتر با ساختار و مضامین معارف. بدیهی است آثاری این چنین قاعده‌آ می‌توانند به شکل مستقل و منفرد در روبرو تئاتر حرفه‌ای در هیچ‌کدام جای قرار بگیرند و از این رو نمایش کوتاه از یک ویژگی منحصر به فرد برخوردار می‌شود و آن تجربی بودن آن است. در باره جشنواره حاضر باید گفت که تئاتر دانشجویی بنا به تعاریف جهانی یکی از سه رکن تئاتر در جامعه امروزی است که دیگر رکن‌های آن تئاتر حرفه‌ای و آماتوری هستند. اما این جشنواره یک خصوصیت متفاوت در مفهوم تئاتر دانشجویی داشت که آن طیف شرکت‌کنندگانی است که اکثراً دانشجویان رشته تئاتر هستند. وقتی شما با جشنواره‌ای تئاتری با این عنوان و این طیف شرکت‌کنندگان مواجه می‌شوید، پیش فرض‌هایی را تعیین می‌کنید و آن عدم برخوردارگی گروه‌های تئاتری از امکانات مناسب مالی و اجرایی و حمایت‌های همه جانبه و درخور و کنج‌دار دست‌اندرکاران یا بی‌مهری‌ها و تنگ نظری‌هاست. البته تعجب هم نمی‌کنید اگر ببینید هنوز اولیای امور در مناصب مدیریتی، آموزشی و فرهنگی از وقوع و اهمیت چنین جشنواره‌هایی بی‌خبر و بی‌اطلاع می‌مانند.

از نکات قوت جشنواره همانا برجسته‌شدن نیروهای مستعدی است که جز با عمل، کارشناسی خود را نمی‌توانند فراهم کنند. هنرمندان جوان، خلاق و اندیشمندند که تا زمانی که هنر اثرشان به روی صحنه نرود کسی باور نخواهد کرد چه نیروی عظیم و پتانسیل حیرت‌انگیزی اینجا نامشکوف مانده است. از نقاط ضعف هم می‌توان علاوه بر تشخیص ضعف آموزشی به تکنیکی اشاره کرد که نمود آن وقتی است که دانشجویان هنرند تئاتر به تقلید و تکرار آگاهانه یا ناخودآگاه اموالی می‌پردازد که در عرصه تئاتر حرفه‌ای اوجی معنایی مناسب و در همان‌میدان نیز زیاد بشناخته‌اند فکری و هنری و اجتماعی مناسب ندارند. به نظر بنده تئاتر دانشجویی و آماتوری در بهترین حالت خود آزمایشگاه و مرکز تحقیقاتی است که کنار در مفهوم عام یا حرفه‌ای باید چشم انتظار و بی‌قرار نتیجه اکتشافات آن باشد.

اشاره: دیرزمانی است دانشجویان نمایش بر این باورند که عرصه تجاری و گاه سطحی دیگر جشنواره‌ها مجال خوبی برای تجربه کردن خلاقیت و نوآوری نیست. جشنواره‌ای که هر کدام سلیقه خاص خود را دنبال می‌کنند و هیچیک به ذات هنر نمایش با منطق و اصول خاص آن نمی‌اندیشند و تنها سلیقه‌های فردی و شخصی را بی می‌گیرند و این زمانی آزاردهنده‌تر خواهد شد که این سلیقه شخصی را به عنوان راهی اسیل و منطقی به دیگران نیز تحمیل کنند.

دانشجویان نمایش دانشگاه تهران از سال ۷۴ با چنین اندیشه‌ای جشنواره کوچکی را بنیان نهادند که در آن از هیاهو و جنجال دیگران بی‌خبر نبود. جشنواره «نمایش‌های کوتاه» تنها هدفش پروبال دادن به اندیشه‌های ارزشمند دانشجویان و ایجاد عرصه‌ای مناسب برای عرضه آنها بود. در اولین سال برگزاری، ۴ نمایش کوتاه در آن شرکت کردند و در دومین دوره ۱۳۷۵ با بسط یافتن بهتر مفهوم «کوتاه» ۱۱ نمایش از دانشگاه‌های مختلف به اجرا درآمد و سپس به دلیل مشکلات مرکز تئاتر تجربی و ستاد برگزاری دو سال به تعطیلی انجامید تا سال ۷۸ که پس از وقفای دوساله، سومین دوره این جشنواره با نمایش پر کار و شاد و اسمال نیز از ۲۶ تا ۲۱ خرداد ماه چهارمین دوره آن با حضور ۱۰ نمایش از دانشگاه‌های تهران، آزاد سوره و امیرکبیر سپری شد.

وجه تمایز چهارمین دوره با دوره‌های پیشین، حضور نو تن از اساتید در ترکیب هیأت داوران بود و این خود گام محکم و بزرگی برای برقرار کردنندگان است. زیرا این جشنواره می‌تواند مجالی برای داوری آسانید نیز باشد تا بدانند که آنچه آموخته‌اند تا چه حد موفق بوده و همچنین جای خالی آنچه نیاموخته‌اند را دریابند و در نوع آموزش تغییراتی ایجاد کنند. برای روشن شدن مفهوم نمایش کوتاه ابتدا با تنی چند از اساتید گفت‌وگو و سپس به بحث با داوران جشنواره پرداخته‌ام و به دلیل کمبود جا و جذاب شدن مطالب همه سؤال‌ها حذف و حرف‌ها فشرده‌تر شده‌اند.



در حاشیه جشنواره

- * هیچ یک از مدیران و مسؤولان گروه آموزشی نمایش و همچنین دیگر مسؤولین دانشگاه در جشنواره حاضر نشدند.
- * مرکز هنرهای نمایشی به عنوان تنها مرجع رسمی و حلی تئاتر کشور اطلاع چندانی از این جشنواره ندارد و حتی در آن حضور نیافته است.
- * در چهارمین روز جشنواره دکتر محمدرضا خاکی پیرامون نمایش کوتاه سخنرانی کرد.
- * در کنار جشنواره یک شماره بولتن که به نقد کارهای اجرا شده می‌پرداخت، منتشر شد.
- * ۲۲ متن رسیده به دفتر جشنواره، ۱۵ متن برای بازبینی انتخاب شد و پس از آن ۴ کار به بخش مسابقه راه یافت.



سبب سنت شکنی می‌شود. اگر قطعه‌ای انتخاب شود و اجرا شود و لاقط در ذهن تماشاچی را به ضمیر ناخودآگاه تماشاچی و یا در رابطه با احساس تماشاچی به یک فرجام برسد، می‌توان آن قطعه از یک نمایش بلند را نمایش کوتاه نامید.

یکی از مشکلات نمایش‌های کوتاه این است که ارائه آنها در یک سالن در یک شب برای یک عده تماشاچی می‌تواند خیلی خوشایند نباشد چرا که احتمال این هست که بیننده‌ای که برای ایاب و ذهاب و رساندن خود به سالن تئاتر آنقدر دچار مشکلات شده با نمایشی کوتاه ارضا نشود. به‌رحال این پیش داوری در ذهن مردم هست که یک تئاتر

عمل دیگر و با نبود حوصله کافی دست به قلم و رنگ و بوم می‌زنند و بعد از آنها اکسپرسیونیست‌ها، کویست‌ها، فاشان آبیستره، این مسیر را طی می‌کنند و در عین حال می‌بینیم همزمان حوصله مخاطب هم کم می‌شود. این در مورد تئاتر هم صادق می‌کند. انسان قرن بیستم و صنعت زده شده - نمی‌داند بگویم متأسفانه یا خوشبختانه - برخورد دیگری با هنر دارد. حتی در مورد سینما، نوع موتاژ و تدوین فیلم در غرب آنقدر سریع شده که گاه مخاطب شرقی عقب می‌ماند. به‌رحال امروزه وقتی که سرعت زندگی بشر به صورت تصاعدی زیاد می‌شود، خواهر ناخواه روی‌رهنر تأثیر می‌گذارد و به زبان دیگر شاید همین مساله

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی (مدرس و پژوهشگر نمایش) درباره این نمایش‌ها می‌گوید:

این نمایش‌ها تک شخصیتی یا چند شخصیتی هستند و در آنها شخصیت فردی وجود ندارد. معمولاً طرح داستانی‌شان بدون شاخص‌های فردی است و دارای الگوی اوجگاهی می‌باشد. در این نمایش‌ها به‌طور معمول نقطه شروع نمایش به نقطه بحران نزدیک می‌گردد.

چه عواملی موجب به‌وجود آمدن این نمایش‌ها شده‌اند؟ در دنیای کهن - و یونان باستان - در روزهای پرکاری نمایش نمایش‌های کوتاه و شادی اجرا می‌کردند که سائیر عنوان داشت. در دوران رنسانس چون صحنه‌ها پرزرق و برق بودند و تعویض پرده‌ها زمان زیادی می‌گرفت، در فاصله بین پرده‌ها، نمایش کوتاه اجرا می‌شد که در اسپانیا اینترالود و در ایتالیا و فرانسه آت‌راکت گفته می‌شده است. در دوران قرون وسطی نیز نمایش‌های تک پرده‌ای کوتاه توسط دسته‌های خندستانی به نام فارس اجرا می‌شد. در سده ۱۹ نمایش نامیه‌های تک پرده‌ای به تقلید از داستان‌های کوتاه و یا در هم‌گرایی با آنها به‌وجود آمدند. نمایش‌های بسیار کوتاه را به‌یژه «نمایش» نامیدند. نمایش‌های تک پرده‌ای بلندتر از بزرگانه‌ها را «برش نمایشی» و از برش نمایشی بلندتر، نمایش «تک پرده‌ای» معمولی است.

گفت‌وگو با دکتر صادقی

دکتر قطب الدین صادقی (مدرس و کارگردان نمایش) معتقد است:

نمایش کوتاه همیشه داشته‌ام و نمایش‌های تک پرده‌ای که از قرن ۱۹ به بعد خیلی داشتیم. در آثار مترلینگ و در آثار دیگران خیلی هست. به‌خصوص که با ایجاد تئاترهای کوچک در سراسر دنیا و بعدها کافه تئاترها، بزرگانی حتی مثل سارتر در این نوع تئاتر، کار کرده‌اند و بعد نویسنده‌گان جدیدی برای این نوع تئاتر شروع به نوشتن کردند که ماهیت اش بیشتر به وجود فضاهایی برمی‌گردد که بتواند این را پرورش دهد. در خانه‌های فرهنگ و در تئاترهای تجربی بیشتر پدیدهای است. به نظر من به قرن بیستم برمی‌گردد. الان تلویزیون با قطعات کوتاه و به‌ظاهر طنزآمیزی که بخش می‌کند، برعکس‌نمایش تأثیری گذاشته است و آنها را کم‌عقب، بی‌محتوا و فاقد جذابیت نموده است. شخصیت‌ها از عمق و پیچیدگی کمتری برخوردار شده‌اند. این قطعات و میان‌پرده‌ها به نوبه خود الگویی شده‌اند برای تئاترهای دیگر.

موضوعی مطرح است از نوعی از داستان که به عنوان داستان کوتاه نامیده می‌شود که ماهیتاً یک چیز متفاوت با زمان است. نمایش‌های کوتاه هم ممکن است همین باشد. شما یک موضوعی دارید که ظرفیتش کم است، باید در چارچوب خودش به اندازه خودش مطرح شود و بسط پیدا کند. البته این کار امر روشنی است. کاری که مثلاً شون او کویی، لورکا، سارتر و مترلینگ کرده‌اند، خیلی از نویسنده‌گان بزرگ، نمایش تک پرده‌ای کوتاه نوشته‌اند. چخوف هم این کار را کرده است. اینها راستش را بخواهید تحت تأثیر فرهنگ تلویزیونی نبوده‌اند در زمان آنها، اصلاً تلویزیونی نبود اینها کارشان به نظر من اصالت دارد. کارشان اینکاری است ولی کاری که الان نوشته اجرا می‌شود، تحت تأثیر این فرهنگ تلویزیونی است. فرهنگ‌های که تمرکز را کشته، وقت را از بین برده و حوصله را کم کرده است.

به لحاظ موضوع، در نمایش کوتاه همه چیز را می‌توان مطرح کرد ولی به شکل خلاصانه. خلاقیت! یعنی شما از نظر شکل باید در کار اعجاز بیابورید. باید توانایی انتقال مفهوم طریق شکل مناسب و جود داشته باشد. نباید سوار مطلب بشوید و ببینید حالا مطلب خودش چه کار می‌کند. چگونگی می‌توان این را شکل داد؟ توانایی فرد چقدر است؟ چگونه می‌توان جمع‌وجور کرد؟ معانی، نمادها، حوادث و شاخص‌ها را چگونه حذف و فشرده می‌کنید؟ به چه وسیله‌ای؟ اینها همه شرط خلاقیت است. رسیدن به نمایش کوتاه مطلوب و رفتن به سوی این نمایش‌ها، باید مثل همه مفاهیم دیگری که امروزه در جامعه فرهنگی ایران مطرح شده، با شناخت کافی توأم باشد. روی کس‌کردن به این نوع نمایش‌ها پس از تحقیق، جست‌وجو و آندوهای گوناگون، پس از تشخیص ضرورت این و عملکرد اجتماعی‌اش، باید باشد. اینها همه باید درک و فهمیده شود.

گفت‌وگو با فرهاد آتیش

فرهاد آتیش (بازیگر و کارگردان نمایش نیز می‌گوید: من فکر می‌کنم که ما نمایش‌های کوتاه را نباید به عنوان نوعی از تئاتر دسته‌بندی کنیم. همانطور که ما در نقاشی نقاشی کوچک یا نقاشی بزرگ و یا در مجسمه‌سازی، مجسمه بزرگ یا مجسمه کوچک داریم. خواه ناخواه ما اگر بخواهیم پراساس تعریفی از تئاتر امروزی، تئاتری را ارائه بدهیم، نمی‌توانیم در یک مدت زمان کوتاه کار کنیم. به همین دلیل شاید در فرهای نو و مدرن است که می‌توان تئاتر کوتاه ارائه داد. به نظر من کوتاه گفتن در واقع احترام به مخاطب است، چرا که شما مخاطب خودتان را صاحب شعور می‌دانید و چیزی را زیاد از حد توضیح نمی‌دهید. من کلاً فکر می‌کنم هدف، کوتاه نویسی نیست، هدف زیادگی گوین نکردن است. یک نمایش چهار ساعته می‌تواند خالی از زیاده‌گویی باشد اما ممکن است نمایشی نیم ساعته، مدام اضافه‌گویی کند.

به‌رحال بعد از صنعتی شدن دنیا می‌بینیم که همه هنرهای مختلف دچار تغییر و تحولاتی شده. به عنوان مثال مسیر نقاشی را ببینید. قبل از امپرسیونیسم، نقاش با حوصله خاص زمان خودش تمام بزم‌کاری‌های چیزی را که می‌خواست نقاشی می‌کرد، می‌کشید و می‌بینیم همزمان با سرعتی که صنعت در زندگی بشر ایجاد می‌کند به مرور امپرسیونیست‌ها با سرعت